



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از سرمایه های بسیار مهم مسئله دقت است ، ما باید عادت کنیم که دقیق باشیم ، بعضی ها طبعاً دقیق هستند و بعضی ها باید عادت کنند به دقیق بودن ، در مسئله مورد بحث ما یکی از چیزهایی که خیلی مهم است و از ابتدا بنده آن را در نظر داشتم این است که بین کلمات فقهاء در مانحن فيه (اعتبار بلوغ در معاملا صبی) تفاوتی وجود دارد حتی کلام امام رضوان الله علیه در تحریر با کلام ایشان در کتاب البیع تفاوت دارد .

بحث ما در این بود که آیا بلوغ به عنوان یکی از شروط متعاقدين در عقد معتبر می باشد یا نه؟ حالا ما کلمات امام رضوان الله علیه را می خوانیم تا مطلب روشن تر شود ، ایشان در ص ۵۰۷ از جلد اول تحریر الوسيله می فرمایند : « القول فی شرائط المتعاقدين : و هی أمور : الأول - البلوغ ؛ فلا یصح بیع الصغیر و لو کان ممیزا و کان بإذن الولی إذا کان مستقلا فی إیقاعه علی الأقوی فی الأشياء الخطیرة و علی الأحوط (وجوبی) فی غیرها و إن کان الصحة فی الیسیرة إذا کان ممیزا مما جرت علیها السیرة لا تخلو من وجه و قوة ، كما أنه لو کان بمنزلة الآلة بحيث تكون حقيقة المعاملة بین البالغین مما لا بأس به مطلقا ، و كما لا تصح معاملة الصبی فی الأشياء الخطیرة لنفسه كذلك

لا تصح لغيره أيضا إذا کان وکیلا حتی مع إذن الولی فی الوكالة (زیرا روایت داشتیم که : لا يجوز أمره فی البیع والشراء) ، و أما لو کان وکیلا لمجرد إجراء الصیغة و کان أصل المعاملة بین البالغین فصحته لا تخلو من قرب ، فلیس هو مسلوب العبارة ، لكن لا ینبغی ترک الاحتیاط (مستحبی) .

آیت الله خوئی در جلد ۲ منهاج الصالحین در کتاب التجارة مسئله ۵۸ می فرمایند : « (مسألة ۵۸) : یشرط فی کل من المتعاقدين أمور: الأول : البلوغ ، فلا یصح عقد الصبی فی ماله ، و إن کان ممیزا ، إذا لم یکن بإذن الولی بل و إن کان بإذنه إذا کان الصبی مستقلا فی التصرف و أما إذا كانت المعاملة من الولی ، و کان الصبی وکیلا عنه فی إنشاء الصیغة فالصحة لا تخلو من وجه وجیه ، و کذا إذا کان تصرفه فی غیر ماله بإذن المالك ، و إن لم یکن بإذن الولی ... » .

خوب و اما تفاوت کلام امام(ره) و آیت الله خوئی در این است که امام(ره) می فرمایند تصرفات صبی ممیز حتی در غیر مال خودش نیز صحیح نیست ولو اینکه با اذن ولی باشد اما آیت الله خوئی می فرماید تصرفات صبی ممیز در غیر مال خودش صحیح می باشد ، بنابراین بحث ما در این است که آیا اعتبار بلوغ تنها مربوط به تصرفات صبی در مال خودش می باشد یا اینکه در مطلق تصرفات صبی چه در مال خودش و چه در مال

دیگران بلوغ شرط صحت معاملات و تصرفات صبی می باشد؟ که امام(ره) در تحریرالوسیله فرمودند تصرفات صبی غیر بالغ حتی در غیر اموال خودش نیز صحیح نمی باشد ولی آیت الله خوئی فرمودند تصرفات صبی ممیز در غیر اموال خودش صحیح می باشد .

خوب و اما حضرت امام(ره) در ص ۴۱ از جلد ۲ کتاب بیعشان برخلاف کلامشان در تحریرالوسیله می فرمایند : « ثم إنَّ المتحصِّل من أوَّل الباب إلى هاهنا : عدم صحَّة معاملات الصبیِّ علی التفصیل المتقدِّم . و أمَّا اعتبار البلوغ فی إجراء الصیغة بعد تمامیة المساومة بین المتبايعین ، فلم یقم دلیل علیه . كما أنَّه لم یقم دلیل ممَّا تقدَّم علی بطلان وكالته عن الغیر فی المعاملة ، فلو أذن شخص صبیاً ممیزاً فی إیقاع معاملة ، أو أجاز معاملته ، كانت الأدلَّة السابقة قاصرة عن إثبات بطلانها ؛ فإنَّها کلَّها ، عدا روایة : عمدته و خطاه سواء ، مربوطة بتصرفاته فی أمواله بالبیع و الشراء و نحوهما ، و قد عرفت حال هذه الروایة و غيرها فی هذا المنوال ... » .

صاحب جواهر در جلد ۲۳ ص ۴۲۲ از جمله کسانی است که قائل به اعتبار بلوغ می باشد لذا فرموده معاملات صبی غیر بالغ مطلقاً (چه در اموال خودش و چه در غیر اموال خودش ، چه با اذن ولی و چه بدون ولی) باطل می باشد و در حقیقت ایشان صبی را مثل هازل و نائم و غالط مسلوب العبارة می داند و بالاخره

صاحب جواهر در آخر کلامش می فرماید آنچه که ما گفتیم درست است و غیر از کلام ما : « لا ینبغی الصدور من متفقہ فضلاً عن الفقیه » و قول به فصل هم نداریم ، این کلام صاحب جواهر بود که به عرضتان رسید .

علامه در ص ۱۱ از جلد ۱۰ تذکرة الفقهاء نیز تقریباً همان حرف صاحب جواهر را می زند و می فرماید : « الفصل الثالث فی المتعاقدين : مسألة ۳ : یشرط فیهما البلوغ و العقل ، فلا تصحَّ عبارة الصبی ، سواء كان ممیزاً أو لا ، أذن له الولیِّ أو لا - و به قال الشافعی و أحمد فی إحدى الروایتین - لأنَّ العقل لا یمکن الوقوف علی حدِّه المنوط بالتصرف به ، لخفائه و تزايدہ تزیادا علی التدریج ، فجعل الشارع له ضابطاً هو البلوغ ، فلا یثبت له أحكام العقلاء قبل وجود المظنَّة . و لأنَّ الممیِّز غیر مکلف ، فأشبهه غیره... » و از این کلام استفاده می شود که فرقی در این نیست که صبی در اموال خودش تصرف کند یا در اموال دیگران .

مرحوم نراقی در مستندالشیعه و صاحب مفتاح الکرامه نیز مثل صاحب جواهر می فرمایند اگر صبی غیربالغ استقلال در تصرف داشته باشد معاملاتش مطلقاً باطل است چه در مال خودش و چه در غیر مال خودش .

محقق در شرایع در کتاب البیع می فرماید : « و أما الشروط ، فمنها ما یتعلق بالمتعاقدين : و هو البلوغ و العقل و الاختیار . فلا یصح بیع الصبی و لا شراؤه و لو أذن له الولی محقق در شرایع... » ، ظاهر عبارت محقق این است که بلوغ شرط صحت عقد می باشد ولی بعضی

ها گفته اند از جمله : « و لو أذن له الولی » استفاده می شود که فقط معاملات صبی در اموال خودش باطل است نه مطلقاً ، علی‌ای حال همان طور که دیدید کلمات فقهاء در این مسئله (اعتبار بلوغ در صحت عقد صبی) بسیار متفاوت و مختلف می باشد لذا ما باید ببینیم حق کدام قول می باشد .

خوب و اما باید عرض کنیم که از لحاظ آیه و روایات ظاهراً بطلان عقد صبی غیر بالغ اختصاص دارد به موردی که در اموال خودش تصرف می کند و اما در مورد معاملات صبی در غیر اموال خودش باید عرض کنیم که دلیلی بر بطلان چنین معاملاتی (صبی ممیز در غیر مال خودش) نداریم ، خوب حالا اگر ما در دو قول مذکور (۱. بطلان معاملات صبی مطلقاً ، ۲. بطلان معاملات صبی فقط در اموال خودش) شک کنیم ، شک ما چند صورت دارد ؛ تارةً شک می کنیم که آیا معاملات صبی عرفاً بیع هست یا نه ؟ که در این صورت اصل بر فساد می باشد و نمی توانیم به عمومات هم تمسک کنیم ، خوب حالا باید ببینیم در مانحن فیه آیا بلوغ از این باب است یا نه ؟ که ما عرض می کنیم خیر بلوغ از این باب نیست زیرا معاملات صبی ممیز مشمول عمومات باب بیع مثل : « أحلَّ اللهُ البیع » و « أوفوا بالعقود » و امثالهما می شود لذا دیگر نوبت به تمسک به اصل فساد نمی رسد به عبارت دیگر آیه و روایت مذکور در مانحن فیه فقط شامل موردی که صبی مستقلاً در اموال خودش تصرف و معامله کند می شوند و دیگر شامل موردی که صبی ممیز در غیر اموال خودش تصرف و معامله کند نمی شوند زیرا دلیلی بر این مطلب نداریم و

اگر در این مورد (صحت معاملات صبی ممیز در غیر اموال خودش) شک کنیم به عمومات باب بیع تمسک می کنیم و حکم به صحت معاملات صبی ممیز در غیر اموال خودش می کنیم ، این قول امام (ره) در کتاب بیعشان و آیت الله خوئی و عده ای دیگر می باشد که ظاهراً همین قول صحیح می باشد .

خوب و اما فقهای ما بعد از بحث در آیه و روایات باب به سراغ اجماع رفته اند ، آیت الله خوئی فرموده چونکه مدرک مجمعی در این مسئله در اختیار ماست لذا اجماع مذکور در مانحن فیه (اعتبار بلوغ در بیع صبی) اجماع مدرکی و اجتهادی است و حجّت نمی باشد ، که همین طور هم می باشد ، البته امام (ره) یک مطلبی درباره اجماع دارند که بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ..

والحمد لله رب العالمین و صلّی علی

محمد آله الطاهیرین